

می‌کند. یعنی به نظر من، آزادی فرهنگی کم است. آن شکوفایی که باید باشد، نیست. وقتی یک عده هستند که متن را می‌خوانند، بعد از آن برای بازبینی آن می‌آیند، بعد از آن می‌گویند این کلمه را بردار، آن شخصیت را عوض کن و... که همه این‌ها بازدارنده است. قطب‌الدین صادقی در پایان گفت: به نظر من دیر یا زود باید به این امر خاتمه دهند. اگر واقعا دنبال شکوفایی فرهنگی و گسترش فرهنگ و هنر در این کشور هستیم، این آزادی خلاقیت باید برگردد.

میکائیل شهرستانی:

انگار تئاتر از جهانی دیگر ظهور کرده و از ما نیست

میکائیل شهرستانی گوینده، بازیگر، کارگردان و مدرس تئاتر در پاسخ به چالش صبا گفت: بیگمان آشننگی و بهم‌بختگی و بی‌سرنجامی هنرهای نمایشی بخصوص تئاتر نماد روشن و واضحی از قوانین من در آوردی و بی‌پایه و اساس سیاست‌گذاران فرهنگی و در راس آن‌ها وزارت ارشاد است.

او در این زمینه توضیح داد: تئاتر هم، چون جامعه ملتهب است. اکثریت عظیمی از تئاتری‌های ما بی‌تشکل (خانه تئاتر را دیگر کار آمد نمی‌دانم) بی‌پهره‌مندی از حمایت‌های دولت‌های مختلف که بر سر کار آمدند و متاسفانه هم از سر دشمنی با هنر بخصوص تئاتر در آمدند و در سرازیری سقوط قرارش داده‌اند، معترضند... شهرستانی در ادامه بیان کرد: تئاتر آینه تمام‌نمای دوره و زمانه خود است. هیچ هنری به اندازه تئاتر این ویژگی در آن مستتر نیست. چهره به چهره با مخاطبش در کوتاه‌ترین فاصله قرار می‌گیرد و برمی‌انگیزد، داوری و انتقاد می‌کند. تئاتر هنری است مطالبه‌گر، هم‌چون جامعه‌اش. غیر از این وسیله‌ای است در دست پول‌شویی و اهداف بی‌خاصیت و بدرند خور مثل شیشه خالی از عطری که فقط کمی از رایحه درونش را دارد و آن هم کم‌کم به مشام نمی‌رسد... با هر بنه‌های سنگین و این اقتصاد ورشکسته چگونه باید تئاتر را سرپا نگاه داشت؟

میکائیل شهرستانی در پایان گفت: در همه جای دنیا به تئاتر سو بسید می‌دهند. به تئاتر فخر می‌کنند. محک و میزان اندیشه‌ورزی جوامع محسوب می‌شود؛ ولی اولین دگرگونی و تغییر و تحولات اجتماعی باعث تعطیلی تئاتر می‌شود. انگار تئاتر از جهانی دیگر ظهور کرده و از ما نیست. پس تا می‌توانیم بزیمش، تحت فشار بگذاریم و اگر شد سرش را زیر آب کنیم. دولت پس از دولتی دیگر شکل گرفت و تئاتر بی‌ولی و وصی‌تر شد... هیچ کس هم پاسخگو نیست. انگار ما به زبان دیگری حرف می‌زنیم که غیر قابل فهم است و عاقبت، تئاتر هم چون موسیقی و سینما و دیگر هنرها فرو خواهد پاشید. دیگر تردید ندارم.

مریم کاظمی:

هیچ چیز مستمری وجود ندارد

مریم کاظمی نویسنده، بازیگر و کارگردان سینما، تلویزیون و تئاتر در پاسخ گفت: البته این نظر به هم یک جمله کتابی است و نمی‌شود خیلی علمی به آن استناد کرد. در واقع چیزی است که نوشته شده و ما هم این طرف و آن طرف خوانده‌ایم و این جمله را به کار می‌بریم که تئاتر نمونه فرهنگ و هنر یک کشور است ولی اگر بخواهیم به این استناد کنیم نه. او در این زمینه توضیح داد: چون زیرساخت‌های لازم برای تولید تئاتر و آن چیزهایی که تئاتر را در کشورهای مختلف شکل می‌دهد که منجر می‌شود یک چنین تئوری‌ای یافته شود و بوجود بیاید؛ در کشور ما وجود ندارد. وی در ادامه گفت: همه چیز خلق الساعه، گاه به گاه، اتفاقی و در واقع پراکنده است. ما فعالیت‌های مستمر چه در زمینه هنر مندان چه متولیان و چه مدیران نداریم. مریم کاظمی در پایان گفت: هیچ چیز مستمری وجود ندارد. همان‌طور که یک مدیر می‌آید، کارهای مدیر قبلی را قبول ندارد و دنباله او را نمی‌گیرد و فقط کارمندا را جابه‌جا می‌کند. در همه رشته‌ها هم این‌گونه است، از پایه‌بگیر در مدارس مان همین‌طور است تا برسیم به جاهای بالاتر و مسلما تئاتر هم نمی‌تواند برای خودش ساز جداگانه بزند. همان چیزی که در همه کشور ما حاکم است و همه پوشش‌های پراکنده است، در تئاتر هم همین‌طور است ما چون فعالیت مستمر، سیستماتیک، کمپانی تئاتر و زیرساخت‌های بیمه‌ای مناسب برای هنرمندان نداریم اصلا نمی‌توانیم در مورد این تئوری‌ها به راحتی صحبت کنیم.

هادی مرزبان:

باید باشد!

هادی مرزبان بازیگر و کارگردان سینما، تلویزیون و تئاتر در پاسخ به چالش صبا فقط به این نکته اشاره کرد و گفت: باید باشد!...

محمد مساوات:

تئاتر ما، مرده است

محمد مساوات نقاش، نویسنده و کارگردان تئاتر در پاسخ گفت: معلوم است که نه. تئاتر یا هنر هنری به نظر من باید آینه تمام‌نمای آن چیزی باشد که در بطن جامعه وجود دارد و متاسفانه این مطلقا در تئاتر ما حداقل الآن وجود ندارد.

او در این زمینه توضیح داد: تئاتر ما در حال حاضر یک تئاتر مرده است. چیزی وجود ندارد. حداقل الآن و دلیلش احتمالا ناشی از ترس بزرگی است که سالیان درازی است که داریم بر کرده نحیفمان حملش می‌کنیم.

بنابر این اگر بخواهیم صادقانه با خود مسئله یا پدیده بر خورد کنیم، امروز آن چیزی که دارد روی صحنه تئاتر ایران رخ می‌دهد، هیچ ارتباطی با جامعه‌اش ندارد. در واقع می‌توانم بگویم ارتباطش با جامعه‌اش قطع است یا فقط دارد بخشی از جامعه را نمایندگی می‌کند. بنابر این من آن را عقیم و ناکارآمد می‌دانم. اگر هم داشته باشیم بخشی از واقعیت است در واقع واقعیت جعلی است نه چیزی که وجود دارد. منظورم این است که نادیده انگاشتن بخش بزرگی از جامعه است.

محمد مساوات در پایان گفت: در چنین شرایطی تماشاگر جدی تئاتر نیز کم می‌شود. بنابر این وقتی تماشاگر جدی‌ای وجود ندارد، مطلقا تئاتری وجود ندارد. چون تئاتر دو سو دارد یک سو اجراگر و سوی دیگر تماشاگر و ما امروز تماشاگر را نداریم بنابر این تئاتر نداریم.

السافیروز آذر:

تئاتر هایی که معرف فرهنگ کشور هستند، اصلا مجوز نمی‌گیرند

السافیروز آذر بازیگر و نویسنده سینما و تلویزیون و کارگردان تئاتر در پاسخ گفت: به نظر من درست است که تئاتر می‌تواند فرهنگ یک کشور را نشان دهد، ولی در کشوری که سانسورش زیاد است و یک تئاتر بارها و بارها اصلاحیه می‌خورد و حتی برخی مواقع به هیچ‌وجه مجوز نمی‌گیرد؛ نه.

او در این زمینه توضیح داد: من فکر می‌کنم اتفاقا این تئاتری که ما در حال حاضر شاهد آن هستیم و مجوز می‌گیرد، اصلا فرهنگ کشور را نشان نمی‌دهد. چون وقتی یک سری از مسائل فرهنگی مطرح می‌شود، ممیزی می‌خورد و اصلا ما آن کارها را نمی‌بینیم. فیروز آذر در پایان گفت: به نظر من متاسفانه نمایش‌هایی که به مسائل سطحی‌تری می‌پردازند یا به مسائل کشور خیلی ار جاء داده نمی‌شوند؛ این‌ها هستند که مجوز می‌گیرند. چون احتمالا مسائل عمیقی که شامل ممیزی می‌شود را در بر نمی‌گیرند.

بهروز غریب‌پور:

ما دارای تئاتر هایی هستیم که هویت ایرانی را کم و بیش نشان می‌دهد

بهروز غریب‌پور نویسنده و کارگردان سینما و تئاتر در پاسخ گفت: اصلا به این شکل نیست که تئاتر هر کشوری نشان‌دهنده هویت و فرهنگ آن کشور باشد.

او در این زمینه توضیح داد: به‌طور مثال فنلاند، بلژیک، حتی سوئد و خیلی از کشورها تکرار کننده نمایش‌های بسیار معروف جهان هستند و در برنامه سالانه‌شان حتما آثار چخوف، ایبسن و... هست و به این صورت نیست که دارای نمایشنامه‌نویس‌های معروف باشند و کسانی باشند که براساس هویت ملی آن کشور آثاری را خلق کرده باشند.

بنابر این می‌توان گفت در تئاتر جهانی، نوعی هویت جهانی را می‌شود دید که در رابطه با به کارگیری توان و خلاقیت نیروهای مثل کارگردان، طراح صحنه و بازیگران است و یک اثر ملی تلقی می‌شود. در هر کجای جهان، کارگردان یک اثر به‌طور مثال آنتیگون، اودیپ و... را با نگاه و استنباط خودش را روی صحنه می‌برد.

وی در ادامه گفت: اتفاقا در مورد ایران برعکس است ما دارای تئاتر هایی هستیم که هویت ایرانی را کم و بیش نشان می‌دهد و هم‌چنین نویسنده‌هایی داریم که قائل به گذشته تاریخی ایران و سنت‌های تاریخی ایران مثل تعزیه، تخت‌حوضی هستند. و اگر هم آثار مدرنی نوشته شده است، منعکس‌کننده مشکلات اجتماعی ما یا به صورت استعاره‌ای یا به صورت رئالیستی است.

بهروز غریب‌پور در پایان گفت: بنابر این می‌توانم بگویم ما افت و خیز خیلی زیاد داریم. کم توجهی به تئاتر خیلی زیاد است. در شهرهای بزرگمان تماشاخانه دایر دائمی نیست و فقط در تهران است ولی این مزیت هست که ما نویسندگان ملی داریم و تئاترمان تا حد زیادی بازتابی از زندگی تاریخی، اجتماعی و سنتی ایران است.

رضا آشفته:

در کشور ما، فرهنگ ول شده به امان خدا

رضا آشفته روزنامه‌نگار، منتقد و کارگردان تئاتر در پاسخ گفت: در شکل کلی می‌گویند که وقتی وارد هر شهری می‌شوی، ابتدا ببین چند سالن تئاتر دارد و هر چه تعداد سالن‌های تئاتر و تماشاگران تئاتر بیشتر باشد این دال بر این است که آن شهر با فرهنگ‌تر است. چون این هنر اجتماعی‌ای است که بیش از ۲۵۰۰ سال سابقه دارد طبق این گفته می‌گفتند که نشانه فرهنگ است. البته این مطلب برای دوره‌ای است که سینما نبود.

وی همچنین بیان کرد: حالا علاوه بر تئاتر باید سینما را هم مد نظر قرار دهیم. به دلیل این که سینما نیز ادامه تئاتر است و شاید سالن‌های سینما هم دال بر این قضیه باشد. البته مشروط بر این که سینما، دیگر سینمای مصر فی و سخیف نباشد. فیلمی که چه ملودرام چه درام چه هر گونه‌ای که هست در حد مشکلات و مسائل روز مردم باشد. حالا اگر این دو تا را با هم علاوه کنیم خود این‌ها می‌تواند یک مصداق فرهنگ باشد. ولی متاسفانه تولیدات سینمایی ما آن نشانه‌های فرهنگی را ندارند. چون بیشتر فیلم‌ها تجاری هستند و هدفشان بیشتر جذب پول است تا این که بخواهند تولید فرهنگ کنند.

آشفته در ادامه گفت: تئاتر ما هم در این سال‌های اخیر به دلیل کرونا و مسائل اجتماعی تقریبا تعطیل بوده است و آن‌طور که باید و شاید تئاتر نداشتیم. قبل‌تر از این چیزی حدود صد تئاتر هر شب اجرا می‌شد ولی متاسفانه آن‌جا هم چون تئاتر به سمت خصوصی شدن رفته بود، مثل سینما بیشتر به دنبال گیشه بود تا این که بخواهد فرهنگ‌سازی کند. حال اگر این دو مورد را با هم جمع کنیم نتیجه این است که بخش کمتری از تولیدات سینمایی با نشانه‌ها و اهداف فرهنگی تولید و در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد و این خودش نشان می‌دهد که فرهنگ ما جدی گرفته نمی‌شود با وجود این که جمعیت قابل چشمگیری هم داریم اما میزان تولیدات این جاذبه و دنباله‌روی و رویکرد را ندارد که با هدف فرهنگ پیش‌رود. او اذعان داشت: بخش کوچکی از تئاتر و سینما با اهداف فرهنگی تولید و در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد، در حالی که نه در تهران بلکه در تمام شهرهای کوچک و بزرگ و حتی برخی از روستاها با بستی این اتفاق بیفتد و سالن تئاتر داشته باشند، برای این که مردم دوست دارند یک هم‌گرایی‌هایی داشته باشند، دورهمی‌هایی را داشته باشند و مسائل جدی‌تر انسانی و اجتماعی که حالا آن اجتماع می‌تواند یک روستا یا یک شهر کوچک باشد را در تئاتر دنبال کنند. سینما هم همین‌طور باید در شهرهای کوچک هم وجود داشته باشد.

آشفته در ادامه گفت: همین‌طور که جلوتر می‌رویم می‌بینیم که تعداد سالن‌های تئاتر و سینما نسبت به میزان جمعیت افراد بسیار کم است و از سوی دیگر تولیداتی که وجود دارد بیشتر با جاذبه‌های ویژه و جنبه‌های اقتصادی و تجاری تولید می‌شود و کمتر نگاه رویکرد فرهنگی را دنبال می‌کنند. متاسفانه تلویزیون هم بیشتر با ابتذال فرهنگی مواجه است. ما نمی‌توانیم با خود بگوییم که اگر تئاتر نداریم یا اگر سینما نداریم، تلویزیون در سطح کلان‌تر این اتفاق را پیش می‌برد. نه تلویزیون ما هم متاسفانه بیشتر همین حالت مصرفی را دارد. اتفاق ناگوارتر این است که ماهوارهای دیگر برای مردم جاذبه بیشتری دارد تا جایی که جایگزین تلویزیون شده‌اند و مردم ترجیح می‌دهند که سریال‌های کره‌ای و ترکی‌های را ببینند که آن‌ها هم بیشتر تولیدات ضدفرهنگی هستند تا فرهنگ‌ساز.

او افزود: امروز وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در هیچ یکی از این مدیوم‌ها جنبه‌های فرهنگی اصلا وجود ندارد. متاسفانه این یک واقعیتی است که در کشور ما، فرهنگ ول شده به امان خدا. اگر می‌بینید در خیابان یا وجود این که بیمه وجود دارد و دیگر نیازی به دعوا و نزاع نیست، ولی با کوچک‌ترین تصادفی آدم‌ها به هم بدویبراه می‌گویند، قه می‌کشند و... این دال بر بی‌فرهنگی است. اگر نزاع‌های خیابانی زیاد است، اگر اسیدپاشی بسیار است، وقتی هنوز هستند کسانی که وقتی از خواستگاری خود جواب نه می‌گیرند اسید می‌پاشند، یعنی هنوز بی‌فرهنگی بر روابط حاکم است و این فرهنگ را باید تئاتر، سینما و تلویزیون درست کنند.

رضا آشفته در پایان گفت: مردم باید در تئاتری که نشانه فرهنگ‌سازی است، کمدی‌های درست و درمان ببینند تا مسائل اجتماعی‌شان حل و فصل شود. باید تراژدی‌های درست و درمان ببینند تا مسائل معنوی و مسائل فراجتماعی، ذهنی و روانی‌شان در آن حل و فصل شود و چون این‌ها را نمی‌بینند و از این‌هایی خبر هستند، متاسفانه اغلب مواقع تصمیمات غلط می‌گیرند و این باعث اتفاقات ناگوار در زندگی‌ها می‌شود و می‌بینیم که اتفاقات ناپهناجر در حال زیاد شدن است که دلیل عمده تمام این موارد عدم فرهنگ‌سازی است.